



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۹، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، خرداد و تیر ۱۳۹۷، صص ۲۰۹-۲۲۶

بررسی تداخل نحوی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به

هنگام تکلم به زبان فارسی معیار

خسرو غلامعلی‌زاده^۱، عامر قیطوری^۲، اکرم کرانی^{۳*}

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. دانشجوی دوره دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش: ۹۶۷/۲۲

دریافت: ۹۶۴/۱۸

چکیده

در فرایند یادگیری زبان دوم، خطا پدیده‌ای است رایج و قابل پیش‌بینی. تداخل‌های زبانی دسته‌ای از خطاها محسوب می‌شوند که حاصل انتقال دانش زبان مادری به زبان مقصد هستند. تحقیق حاضر که در چارچوب «تحلیل خطا» و بر اساس طبقه‌بندی براون (2007) از خطاها صورت گرفته است، بر آن است تا خطاهای نحوی ناشی از تداخل دو زبان کردی کلهری و فارسی معیار را در گفتار دوزبانه‌های کردزبان و فارسی‌زبان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بدین منظور، از بین خطاهای گفتاری، خطاهای نحوی و از بین آن‌ها خطاهای ناشی از تداخل بین زبان اول و دوم مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد این پژوهش تلفیقی (کمی/ کیفی) است. نمونه آماری شامل ۱۷۰ دختر و پسر دوزبانه ساکن شهر کرمانشاه است که به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. پس از تحلیل خطاها، نتایج پژوهش نشان داد که خطاها به ترتیب درصد فراوانی عبارت‌اند از: خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب، خطای حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، خطای استفاده از «ی» زائد، خطای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب. با اتکا به نتایج تحقیق حاضر، می‌توان راهکارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی، طراحان آزمون‌ها و زبان‌آموزان به‌منظور کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی در مناطق کردزبان ارائه داد.

واژه‌های کلیدی: تحلیل مقابله‌ای، تداخل زبانی، تحلیل خطا، تداخل نحوی و کردی کلهری.

۱. مقدمه

خطاها^۱ انحرافات رایج و نظام‌مندی‌اند که حاصل تخطی از قواعد زبان دوم هستند. در گذشته خطاها به‌عنوان موانع یادگیری زبان دوم تلقی می‌شدند که باید از آن‌ها دوری می‌شد؛ اما امروزه خطاها در یادگیری زبان دوم اهمیت بسزایی دارند. زبان کردی کلهری یکی از زبان‌هایی است که در غرب ایران، از جمله کرمانشاه بدان تکلم می‌شود. دوزبان‌هایی که زبان مادری آن‌ها کردی کلهری است، به هنگام تکلم به زبان فارسی ساختارهای زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می‌کنند. خطاهایی که در گفتار این افراد مشاهده می‌شود موجب بروز مشکلاتی در برقراری ارتباط با فارسی‌زبانان می‌گردند. از آنجا که آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبان‌ه بدون توجه به زبان مادری صورت می‌گیرد، دسته‌ای از مشکلات یادگیری این دانش‌آموزان ناشی از تداخل‌های زبانی است که معلمان، برنامه‌ریزان درسی و طراحان آزمون‌ها با آگاهی از آن‌ها می‌توانند کم‌کهای شایانی به پیشرفت درسی دانش‌آموزان کنند. هدف از این پژوهش، بررسی خطاهای میان‌زبانی یا تداخل‌های نحوی ناشی از انتقال ساختار زبان اول به زبان دوم است. در راستای این هدف، جامعه آماری متشکل از ۱۷۰ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۳ تا ۱۵ ساله، به‌صورت نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش مصاحبه در هر جلسه از افراد نمونه خواسته شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. سپس بر اساس طبقه‌بندی براون (2007) از خطاها، خطاهای ناشی از تداخل نحوی تفکیک و مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های گردآوری‌شده ابتدا به‌صورت کیفی بررسی شدند و سپس به‌صورت کمی در قالب نمودار نشان داده شدند. در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که تداخل‌های نحوی در گفتار کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار چگونه است و به چه دسته‌هایی قابل تقسیم است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران در پژوهش‌های خود خطاهای نحوی زبان‌آموزان را هنگام استفاده از زبان دوم، در زبان‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند.

منشی‌زاده و خان‌بابازاده (۱۳۹۳) به بررسی خطاهای نحوی دانش‌آموزان تالشی‌زبان پرداخته‌اند. آن‌ها خطاهای دانش‌آموزان را به سه دسته خطاهای بین‌زبانی، درون‌زبانی و آموزشی تقسیم‌بندی کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که در نوشتار این دانش‌آموزان نمونه‌هایی از هر سه دسته خطا یافت می‌شود. خطاهای آموزشی و در بین آن‌ها خطای عدم مطابقت شناسه فعل با فاعل فراوانی بیشتری دارند.

میردهقان و دیگران (۱۳۹۳) خطاهای نوشتاری ۳۴ فارسی‌آموز آلمانی‌زبان را در سطح مقدماتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و خطاها را مطابق دسته‌بندی فیژیاک (1981) دسته‌بندی کرده‌اند. خطاها به دو دسته بین‌زبانی و درون‌زبانی تقسیم شده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که منشأ بیشتر خطاها زبان آلمانی است و نه زبان فارسی.

متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۳) خطاهای نحوی فارسی‌آموزان اردوزبان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که خطاهای بین‌زبانی با منشأ زبان مادری بیشترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده‌اند. از بین مقوله‌های نحوی نیز خطاهای مرتبط با حرف اضافه بیشترین بسامد وقوع را داشتند.

کاظمی (۱۳۹۳) خطاهای دستوری فارسی‌آموزان لک‌زبان را بررسی کرده است. وی خطاها را بر اساس نظریه کوردن (۱۹۷۵) طبقه‌بندی کرده و در تحلیل داده‌هایش از دو فرضیه قوی و معتدله استفاده کرده است. نتایج بررسی داده‌ها نشان داد که فرضیه معتدله در یادگیری زبان دوم فرضیه غالب است. از بین خطاهایی که وی بررسی کرده است، خطاهای ناشی از تداخل زبانی تأثیری نسبی در یادگیری زبان دوم دارد و محیط یادگیری مؤثرترین عامل در یادگیری زبان قلمداد شد.

کمالی (۱۳۹۴) به بررسی خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از حروف فرانسوی پرداخته است. وی پربسامدترین خطاهای زبان‌آموزان را به دو دسته تقسیم‌بندی کرده است: خطاهای بین‌زبانی یا تداخلی و خطاهای درون‌زبانی. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بیشتر خطاها ناشی از تداخل زبان مادری است. وی دلیل این مسئله را آن می‌داند که زبان‌آموزان بر پایه زبان مادری‌شان، یعنی زبان فارسی و یا زبان دومشان که زبان انگلیسی است، گرت‌برداری می‌کنند. دلیل دیگر آن است که چون زبان‌آموزان با قواعد دستوری زبان فرانسه آشنایی ندارند، یک حرف اضافه را به جای حرف اضافه‌ای دیگر به کار می‌برند.

در بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، تداخل‌های زبانی زبان‌هایی همچون زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است. گروهی از پژوهشگران نیز تداخل‌های زبان فارسی را با زبان‌ها و گویش‌های داخل کشورمان همچون زبان لکی و زبان تالشی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان پژوهشی در زمینه تجزیه و تحلیل خطاهای نحوی کردزبانان کلهر انجام نگرفته است. از این رو، در این تحقیق به دنبال بررسی این خطاها در گفتار گویشوران کردزبان کلهر هستیم.

۳. چارچوب نظری تحقیق

خطاهای بین زبانی در این پژوهش مطابق دسته‌بندی براون (2007) از خطاها، تفکیک شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مطابق دیدگاه براون، منابع خطا عبارت‌اند از: انتقال بین‌زبانی یا تداخل زبانی^۱، انتقال درون‌زبانی، بافت یادگیری^۲ و راهکارهای ارتباطی^۳ (Brown, 2007:263-266). در ادامه این منابع به‌اختصار شرح داده می‌شود.

۱. انتقال بین زبانی یا تداخل زبانی: در مراحل یادگیری زبان دوم، انتقال بین زبانی از زبان بومی به زبان مقصد، به‌وفور یافت می‌شود. خطاهای بین زبانی یا تداخل زبانی، عبارت‌اند از کاربرد ناآگاهانه الگوها یا عناصر یک زبان در زبان دیگر (مدرسی، ۱۳۶۸:۴۱). فارچ و کاسپر (1983:113) معتقدند وقتی زبان‌آموز در ساختار زبان دومش نقص دارد آن نقص را به‌وسیله قواعد دستوری که بخشی از آن متعلق به زبان مادری است، برطرف می‌سازد.

۲. انتقال درون‌زبانی: انتقال درون‌زبانی که در درون زبان مقصد رخ می‌دهد، یکی دیگر از منابع خطاست. خطاهای درون‌زبانی حاصل تأثیر مقوله‌ای در زبان دوم بر مقوله‌ای دیگر است.

۳. بافت یادگیری: منظور از بافت هنگامی که زبان دوم در مدرسه آموخته شود، کلاس درس و هنگامی که زبان دوم بدون معلم آموخته شود، جامعه است.

۴. راهکارهای ارتباطی: زبان‌آموزان از راهکارهای تولید جهت افزایش پیام‌رسانی کامل استفاده می‌کنند. گاهی این تکنیک‌ها خودشان منبع خطا می‌شوند. راهکارهای ارتباطی عبارت‌اند از کاربرد آگاهانه سازوکارهای کلامی به‌منظور رساندن یک اندیشه به مخاطب به نحوی که لحظه

برقراری ارتباط صورت‌های دقیق در اختیار زبان‌آموز نباشد (Brown, 2007: 266).

۴. روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر شیوه اجرا توصیفی و از نظر نوع داده‌ها کمی/ کیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دوزبانه مقطع متوسطه اول ساکن شهر کرمانشاه بود. رده سنی این افراد ۱۳ تا ۱۵ سال است. نمونه آماری نیز شامل ۱۷۰ دانش‌آموز پسر و دختر بود که ۸۵ نفر آن‌ها دختر و ۸۵ نفرشان پسر بودند. این افراد به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. به این صورت که محقق با توجه به رضایت و اعلام مشارکت افراد، از بین افرادی که زبان مادری‌شان کردی کلهری و زبان دومشان زبان فارسی بود، نمونه موردنظر را انتخاب کرد. گفتنی است افراد نمونه زبان فارسی را در هنگام ورود به مدرسه به‌عنوان زبان دوم آموخته‌اند. برای گردآوری داده‌ها جلسات مصاحبه‌ای با حضور افراد مورد مصاحبه برگزار می‌شد و طی آن از آزمودنی‌ها درخواست می‌شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر جلسه ۴ تا ۵ نفر بود. در هر جلسه، پاسخ افراد به سؤالات مصاحبه گردآوری و سپس بر اساس دسته‌بندی براون (2007) از خطاها، خطاهای بین زبانی و یا خطاهای ناشی از تداخل استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، ابتدا به‌صورت کیفی هر یک از انواع خطاها به‌صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب، برای بررسی هر خطا ابتدا جمله تولیدشده توسط فرد دوزبانه به زبان مقصد، یعنی زبان فارسی که حاوی تداخل نحوی است ذکر شد. این جمله با علامت ستاره نشان‌دار شده است. سپس، معادل آن جمله به زبان اول یعنی زبان کردی بر اساس الفبای IPA آوانگاری شد. پس از آن معادل جمله زبان اول یعنی زبان کردی به زبان دوم یعنی زبان فارسی ارائه شد. همچنین، در بخش کمی، بسامد و فراوانی‌های هر کدام از خطاها در قالب نمودار میله‌ای ارائه شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تحلیل کیفی خطاها

در زیر خطاهای مربوط به حروف اضافه، حروف ربط، حرف نشانه «را»، کاربرد اجزای فعل مرکب، فعل نامناسب، ترتیب اجزای جمله، استفاده از ضمیر نامناسب و استفاده از «ی» زائد به ترتیب شرح داده می‌شود.

۵-۱-۱. خطاهای مرتبط با حروف اضافه

حروف اضافه حرفی هستند که کلمه یا گروهی را به فعل، صفت و مانند آن نسبت می‌دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در زبان کردی برخی از حروف اضافه دارای چند معنا هستند. از این رو، کردزبانان هنگام تکلم به زبان فارسی، به گزینش حرف اضافه صحیح قادر نیستند و همین مسئله به تداخل زبانی منجر می‌شود. خطاهای مرتبط با حروف اضافه در گفتار کردزبانان هنگام تکلم به زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شود: الف) استفاده غیرصحیح از حرف اضافه ب) عدم استفاده از حرف اضافه ج) استفاده زائد از حرف اضافه.

۵-۱-۱-۱. استفاده غیرصحیح از حروف اضافه

۵-۱-۱-۱-۱. حرف اضافه /wæ/

در زبان کردی، حرف اضافه /wæ/ معادل «به»، «از»، «با»، «در»، «بر»، «برای»، «به وسیله» در زبان فارسی است.

الف) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

۱. * دست ازت تکان دادم. *dæs wælit tækan dam.*

برایت دست تکان دادم.

ب) خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «به»

۲. * کم کم با من عادت کرد. *kæm kæm wæ mæ adæt kærd.*

کم کم به من عادت کرد.

ج) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

۳. * پالتوی او از من دراز بود. *pałtawə æwæ wæ mæ dəriʒ bi.*

پالتوی او برای من بلند بود.

د) خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «از»

۴. * چند تا در سیبها گندیده‌اند. $\text{tʃæn gələ wə sifəjl gənjənə.}$

چند تا از سیبها گندیده‌اند.

ه) خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «با»

۵. * به دست خالی شروع کرد. $\text{wə dæsə xali furu kərd.}$

با دست خالی شروع کرد.

و) خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «از»

۶. * خدا حق این بچه به عمویش بگیرد. $\text{xoda hæqə i: mənɔtæ wə mæmuɪ bəsənɪ:}$

خدا حق این بچه را از عمویش بگیرد.

ز) خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «از»

۷. * با بادمجان بدم می‌آید. $\text{wə bajəmdʒən bædəm tʃəɪ}$

از بادمجان بدم می‌آید.

ک) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «با»

۸. * کمکش می‌کردیم یا از پول یا از چیزهای دیگر. $\text{kumækɪ: kərdʒəɪmən ja wə pyl ja wə tʃəɪtʃəɪlə təræk.}$

کمکش می‌کردیم یا با پول یا با چیزهای دیگر.

ل) خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «به»

۹. * سرما ضرر زیادی در ما وارد کرد. $\text{sərma zərərə fəræɪ wə imæ wərəd kərd.}$

سرما ضرر زیادی به ما وارد کرد.

ح) خطای جایگزینی حرف اضافه «بر» به جای «به»

۱۰. * بر پدر و مادر خود احترام بگذارید. $\text{wə bawgo datəgə xwæt ə:təram bənə.}$

به پدر و مادر خود احترام بگذارید.

در نمونه‌های مشاهده‌شده، زبان مبدأ زبان‌آموز روی زبان مقصدش تأثیر می‌گذارد و

یکی از معادل‌های /wæ/ را به اشتباه به جای معادلی دیگر به کار می‌برد.

۲-۱-۱-۵. حرف اضافه /naw/

حرف اضافه /naw/ در زبان کردی معادل «داخل»، «بین»، «به»، «در»، «میان» و «توی» در زبان فارسی است.

الف) خطای جایگزینی حرف اضافه «توی» به جای «بین»

۱۱. * او توی ما فرق می‌گذاشت.

æwæ naw imæ færq hiftja.

او بین ما فرق می‌گذاشت.

ب) خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «توی»

tʃowəm wæ naw tʃowɪ: nækæfi:.

۱۲. * چشمم میان چشمش نیفتد.

چشمم توی چشمش نیفتد.

ج) خطای جایگزینی حرف اضافه «داخل» به جای «به»

۱۳. * همه حواسش داخل خانه‌اش است.

همه حواسش به خانه‌اش است.

د) خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «در»

۱۴. * میان این چند ماه زجر کشیدم.

در این چند ماه زجر کشیدم.

فرد دوزبانه با به کار بردن یکی از معادل‌های /naw/ به جای سایر معادل‌های آن در این حوزه مرتکب خطا می‌شود.

۳-۱-۱-۵. حرف اضافه /læ/

/læ/ در زبان کردی معادل «از» و «در» در فارسی است.

۱۵. * از زندگی موفق بود.

در زندگی موفق بود.

به دلیل وجود معادل‌های متفاوت برای حرف اضافه /læ/ در زبان فارسی، کردزبانان به

هنگام تکلم به زبان فارسی از حرف اضافه «از» به جای «در» استفاده می‌کنند.

۴-۱-۱-۵. حرف اضافه /æra/

/æra/ در زبان کردی معادل «برای» و «به» در زبان فارسی است.

۱۶. *رفتم برای بانک.
 tʃim æra bank.
 به بانک رفتم.

کردزبانان به جای استفاده از حرف اضافه «به» به عنوان یکی از معادل‌های /æra/ از معادل دیگر آن یعنی «برای» استفاده می‌کنند.

۵-۱-۱-۵. حرف اضافه /la/

/la/ در زبان کردی معادل «پیش»، «کنار»، «به» در زبان فارسی است.

الف) خطای جایگزینی حرف اضافه «کنار» به جای «پیش»
 ۱۷. *کتابم کنار برادرم بود.
 kətawægəm wə laɪ bəram bi
 کتابم پیش برادرم بود.

فرد دوزبانه با به‌کار بردن معادل‌های /la/ در زبان فارسی به جای یکدیگر در این حوزه مرتکب خطا می‌شود.

۲-۱-۱-۵. عدم استفاده از حرف اضافه

۱۸. *توکل کردیم خدا.
 təwækol kərdimənə xoda.

به خدا توکل کردیم.

در زبان کردی با فعل‌هایی مثل «توکل کردن» و «تکیه کردن» حرف اضافه به کار نمی‌رود. از این رو، کلهرزبانان در زبان فارسی حرف اضافه را در چنین مواردی حذف می‌کنند.

۳-۱-۱-۵. استفاده زائد از حرف اضافه

۱۹. *در توی زندگی‌ام تهران نرفته بودم.
 wə naw zəndægim tə:ran nætʃym.
 در زندگی‌ام تهران نرفته بودم.

در زبان کردی حرف اضافهٔ دوتایی وجود دارد. معادل این حروف در زبان فارسی یک حرف اضافه است. گویشور کلهر به هنگام تکلم به زبان فارسی، برای هر جزء این حروف اضافهٔ دوتایی یک معادل را به کار می‌گیرد.

۵-۱-۲. خطاهای مرتبط با حروف ربط

حروف ربط حرفی هستند که کلمات و جملات را به یکدیگر پیوند می‌دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). خطاهای مربوط به حروف ربط در گفتار کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) عدم استفاده از حرف ربط «و» ب) استفادهٔ زائد از حرف ربط «دیگر».

۵-۲-۱-۱. عدم استفاده از حرف ربط «و»

۲۰. * نان \emptyset کرگ بگیر. nankærægæ bægær.

نان و کره را بگیر.

در زبان کلهری گاهی حرف ربط «و» حذف می‌شود.

۵-۲-۱-۲. استفادهٔ زائد از حرف ربط «دیگر»

۲۱. * دربارهٔ همه صحبت کردیم. دیگر راجع به تو هم حرف زدیم.

qəsæɪ ɣəft kərdim. di qəsæɪ toniʃ kərdimən.

دربارهٔ همه صحبت کردیم. همچنین راجع به تو هم حرف زدیم.

کردزبانان حرف ربط «دیگر» را به صورت زائد به کار می‌برند. دلیل آن این است که در

زبان کردی حرف ربط "i" که معادل «همچنین» است، بسیار به کار برده می‌شود.

۵-۱-۳. خطای جایگزینی حرف نشانهٔ «را»

حرف نشانهٔ «را» برای تعیین نقش مفعول در جمله به کار می‌رود. کلمه یا گروه قبل از «را» دارای نقش مفعولی است (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۸۱). خطای جایگزینی حرف نشانهٔ «را» شامل استفاده از حرف اضافهٔ «به» به جای «را»، استفاده از نشانهٔ معرفهٔ /ægæ/ به

جای «را» و عدم استفاده از نشانه مفعولی «را» است.

۵-۳-۱-۱. استفاده از حرف اضافه «به» به جای «را»

۲۲. *آن قدر به دزد زدیم گفتیم الآن می‌میرد.

æqæræ wæ dæzægæ dajmæn wætīm ælan mæri:.

آن قدر دزد را زدیم که گفتیم الآن می‌میرد.

کله‌زبانان گاهی «را» را به‌عنوان نشانه مفعولی حذف می‌کنند و معادل حرف اضافه

/wæ/ را در معنای «به» به‌کار می‌گیرند.

۵-۳-۱-۲. استفاده از نشانه معرفه /ægæ/ به جای «را»

firə mənətægæ dam.

۲۳. * شیر بچگِ دادم.

شیر بچه را دادم.

از آنجا که در زبان کردی معادل «را» وجود ندارد، /ægæ/ به‌عنوان عنصر معرفه‌ساز پس

از اسم نقش آن را ایفا می‌کنند.

۵-۳-۱-۳. عدم استفاده از نشانه مفعولی «را»

æsbawəjləman wæ dæ:ton bərdimən.

۲۴. * وسایلمان \emptyset با ده تن بردیم

وسایلمان را با ده تن بردیم.

نشانه «را» به این دلیل حذف شده است که در کردی معادلی برایش وجود ندارد

۵-۱-۴. خطای کاربرد اجزای فعل مرکب

فعل مرکب فعلی است که از دو واژه مستقل تشکیل شده است. واژه اول اسم، صفت یا قید و

واژه دوم فعل است. جزء فعلی در فعل مرکب، معنی فعلی خود را از دست می‌دهد و یا معنی-

اش کم‌رنگ می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۶).

خطای کاربرد اجزای فعل مرکب شامل حذف جزء اسمی فعل مرکب، گسستگی اجزای

افعال مرکب، کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب و خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل

مرکب است.

۱-۴-۵. حذف جزء اسمی فعل مرکب

daft tupan kərdja.

*۲۵. داشت فوتبال د می کرد.

داشت فوتبال بازی می کرد.

در زبان کردی «بازی» در فعل‌های مرکبی همچون «فوتبال بازی کردن»، «قایم باشک بازی کردن»، «پینگ‌پنگ بازی کردن»، به کار برده نمی‌شود. از این رو کله‌زبانان در زبان فارسی این جزء اسمی را حذف می‌کنند.

۱-۴-۵. گسستگی اجزای افعال مرکب

fəkəstə bawgəm da.

*۲۶. شکست پدرم داد.

پدرم را شکست داد.

در زبان کله‌ری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد و این دو جزء پشت سر هم نمی‌آیند. کردزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دومشان منتقل می‌کنند.

۱-۴-۵. کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب

guṭəman da.

*۲۷. گولمان داد.

گولمان زد.

فعل «دادن» در زبان کردی معادل «دادن» و «کردن» و «زدن» در زبان فارسی است. از این رو، کله‌زبانان در زبان فارسی معادل‌های این فعل را به جای یکدیگر به کار می‌برند.

۱-۴-۴. خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل مرکب

wə xəjalətii: mərdimən.

*۲۸. از خجالتی مردیم.

از خجالت مردیم.

در بعضی از فعل‌های مرکب کله‌ری، جزء غیر فعلی به صورت «اسم + ی» مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مانند «خجالتی» به جای «خجالت»، «تقلبی» به جای «تقلب». به این دلیل کله‌زبانان این الگو را به زبان فارسی انتقال می‌دهند.

۵-۱-۵. کاربرد فعل نامناسب

kolərægæ bəgər.

۲۹. * کلرگ بگیر.

کولر را روشن کن.

در زبان کله‌ری فعل «گرفتن» در معنای «گرفتن» و «روشن کردن» به کار می‌رود. از این رو، کله‌ریزبانان معادل‌های فعل «گرفتن» را در زبان فارسی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌دهند.

۵-۱-۶. خطای ترتیب اجزای جمله

kifaməy aw.

۳۰. * کشیدمش آب.

آبشش کشیدم.

ترتیب اجزای جمله در زبان کردی به صورت SVO و در زبان فارسی به صورت SOV است. کله‌ریزبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی آرایش جمله را در زبان کردی به زبان فارسی تحمیل می‌کنند.

۵-۱-۷. خطای استفاده از ضمیر نامناسب

hærkæ warəd bija mæ:ləm səjlə æwæ kərdja.

۳۱. * هر کسی وارد می‌شد، معلم به آن نگاه می‌کرد.

هر کسی که وارد می‌شد، معلم به او نگاه می‌کرد.

/æwæ/ در زبان کردی معادل «او» و «آن» است و برای اشاره به انسان و غیرانسان به کار می‌رود. فرد کله‌ریزبان به هنگام تکلم به زبان فارسی، تحت تأثیر زبان کردی «او» و «آن» را به عنوان معادل‌های /æwæ/ به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌برد.

۵-۱-۸. استفاده از «ی» زائد

wæ dadəga ɛxtarijæ hat.

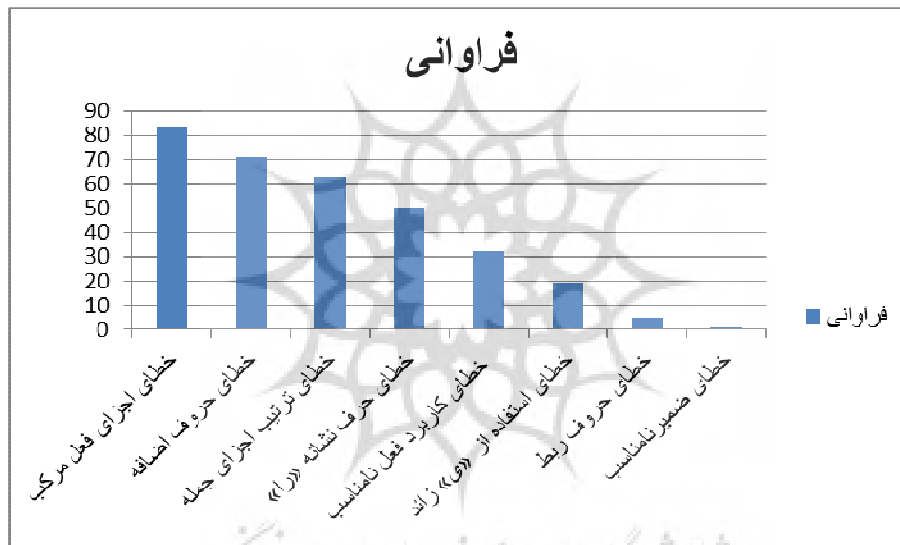
۳۲. * از دادگاه اخطاری آمد.

از دادگاه اخطار آمد.

در زبان کردی گاهی به جای اسم از «اسم + ی» استفاده می‌شود. فرد دوزبانه همین ساخت را به زبان فارسی منتقل می‌کند.

۲-۵. نتایج تحلیل کمی

در نمودار زیر فراوانی و درصد خطاهای دانش آموزان نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، بیشترین بسامد متعلق به حوزه خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب می‌باشد. پس از آن، حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، استفاده از «ی» زائد، خطاهای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.



نمودار ۱: فراوانی و درصد خطاها
Chart1: Frequency and percentage of errors

۶. نتیجه

هدف پژوهش حاضر بررسی تداخل‌های نحوی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه هنگام تکلم به زبان فارسی بود. از آنجا که خطاهای نحوی این افراد دارای چندین منشأ هستند و از گستره وسیعی برخوردارند. از این رو، تنها خطاهای نحوی بین زبانی یا خطاهای ناشی از

تداخل زبانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که خطاهای مربوط به کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب (۲۵/۶۲) بیشترین بسامد تداخل‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به حروف اضافه (۲۱/۹۱)، ترتیب اجزای جمله (۱۹/۴۴)، حرف نشانه «را» (۱۵/۴۳)، کاربرد فعل نامناسب (۹/۸۸)، استفاده از «ی» زائد (۵/۸۶)، حروف ربط (۱/۵۴) و استفاده از ضمیر نامناسب (۰/۳۱) بود.

نتایج این تحقیق در راستای پژوهش‌های میردهقان و دیگران (۱۳۹۳)، متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۳) و کمالی (۱۳۹۴) است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت از آنجا که زبان‌آموز در ابتدا ساختارها و قواعد زبان مادری‌اش را به صورت ناآگاهانه فرامی‌گیرد، هنگام یادگیری زبان دوم با توجه به زمینه قبلی که در ذهنش وجود دارد، تمایل دارد که این الگوها را به زبان دومش منتقل کند و این مسئله به تداخل زبانی منجر می‌شود. مطابق نظریه انتقال نیز، زبان مادری به دو شیوه بر روی زبان مقصد تأثیرگذار است: شیوه مثبت و منفی. شباهت‌های بین دو زبان فرایند یادگیری را تسهیل می‌نماید. در حالی که تفاوت‌های بین آن‌ها موجب انتقال منفی می‌گردند. بنابراین، در فرایند یادگیری زبان دوم، انتقال منفی یا تداخل اجتناب‌ناپذیر است (Wang, 2009:138). علت وقوع تداخل‌های زبانی در گفتار کردزبانان کله‌ر نیز آن است که در ذهن زبان‌آموز، نظام زبان کردی به عنوان زبان اول به طور کامل شکل گرفته است. بر اساس نظریه انتقال دلیل بروز خطاهای بین زبانی وجود این نظام ذهنی است. در ابتدای یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم، زبان‌آموز در بسیاری موارد به زبان اولش تکیه می‌کند. بدین ترتیب استفاده از ساختار زبان اول موجب تداخل ساختارها می‌شود. به نحوی که وی ساختار زبان مادری‌اش را به زبان مقصد منتقل می‌کند. برای مثال، در زبان کردی کله‌ری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد. بنابراین، کردزبانان هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دومشان منتقل می‌کنند. بدین ترتیب تداخل‌های مشاهده شده، حاصل انتقال الگوهای زبان اول به زبان دوم هستند.

نتایج حاصل از توصیف خطاهای نحوی در این پژوهش، می‌تواند راهکارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی، طراحان آزمون‌ها و زبان‌آموزان در راستای کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی ارائه دهد. از آنجا که آموزش زبان فارسی، خود به عنوان آموزش زبان دوم در بسیاری از مناطق کشور مطرح است، مدرسانی که زبان فارسی را به

دانش‌آموزان کردزبان آموزش می‌دهند با استفاده از یافته‌های چنین تحقیقی و آگاهی از تداخل‌های زبانی و مشکلات دانش‌آموزان، قادر خواهند بود با دید بازتری با خطاها و مشکلات دانش‌آموزان برخورد کنند. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند گامی در کمک به تدوین کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان دوزبانه کردزبان و فارسی‌زبان بردارد. از آنجا که هدف از برگزاری آزمون‌ها ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان است، آزمون-سازان نیز با آگاهی از مواردی که دانش‌آموزان با آن‌ها مشکل دارند و مرتکب خطا می‌شوند، می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در طرح آزمون‌ها بهره‌برند. بدین ترتیب کلیه مشکلات درسی دانش‌آموزان دوزبانه دال بر کم‌کاری و عدم توجهشان به درس تلقی نمی‌شود. به‌علاوه زبان‌آموزان خود می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در جهت شناسایی و برطرف کردن مشکلات زبانی‌شان به هنگام ارتباط با فارسی‌زبانان استفاده کنند؛ زیرا برخی از سوءتفاهم‌ها و مشکلات برقراری ارتباط، ناشی از تداخل بین زبان‌هاست.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Errors
2. Language interference
3. Context of learning
4. Communication strategies
5. Context of learning

۸. منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۰). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲۶. صص ۲۶-۳۴.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای دستوری فارسی‌آموزان لک‌زبان». *جستارهای زبانی*. د ۵. ش ۲ (پیاپی ۱۸). صص ۲۰۷-۲۳۵.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۹۴). «تحلیل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از حروف اضافه فرانسسه». *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۲۲۹-۲۴۹.

- متولیان نائینی، رضوان و رسول ملکیان (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای نحوی فارسی‌آموزان اردوزبان». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۶). صص ۶۴-۳۱.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- منشی‌زاده، مجتبی و کیومرث خان‌بابازاده (۱۳۹۳). «خطاهای نحوی تالشی‌زبان‌ها در کاربرد زبان فارسی». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۶). صص ۱۱۷-۱۳۵.
- میردهقان، مهین‌ناز و دیگران (۱۳۹۳). «خطاهای نوشتاری فارسی‌آموزان آلمانی‌زبان در سطح مقدماتی: خطاهای املائی - واجی». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۶). صص ۹۱-۱۱۶.

References:

- Ahmadi Guivi, H. & H. Anvari (2001). *Persian Grammar 1*. Tehran:
- Brown, H. D. (2007). *Principles of Language Learning and Teaching* (4th edition). New York: Longman.
- Faerch, C. & G. Kasper (1983). *Plans and Strategies in Foreign Language Communication*. (Eds.). Longman, London.
- Fatemi .[In Persian].
- Kamali, M. J. (2015). "Analysis of the errors of Iranian language learners in using French prepositions". *Lingual Inquests*. Vol. 6. No. 4 (sequential 25). Pp: 229-249. [In Persian].
- Kazemi, F. (2014). "The analysis of grammatical errors of Lak natives learners of Persian". *Lingual Inquests*. Vol. 5. No. 2 (sequential 18). Pp: 207-235 [In Persian].
- Mirdehghan, M. et al. (2014). "Writing errors of German Learners of Persian at Elementary Level: Phonological- Spelling errors ". *Journal of Teaching Persian*

to Speakers of Other Languages. Vol.3.No.1 (sequential 6). Pp: 91-116. [In Persian].

- Modarresi, Y. (1989). *An Introduction to Sociolinguistics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies .[In Persian].
- Monshizadeh, M. & K. Khanbabazadeh (2014). "Syntactic Errors of Taleshi natives in using Persian". *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*. Vol.3. No.1 (Sequential 6). Pp: 117-135.[In Persian].
- Naeinee, R. & R. Malekian, (2014), "Analysis of Syntactic Errors in urdu learners of Persian". *Journal of Teaching Persian to Speakers of Other Languages*. Vol.3. No. 1 (sequential 6). Pp. 31-64 .[In Persian].
- Tabatabai, A. (2005). "Compound verb in Persian". *Letter of the Academy*. N.26. Pp. 26-34 .[In Persian].
- Wang, X. (2009). "Exploring the Native Transfer on English Learning". *Asian Social Science*. Vol 5. No 7. Pp: 138-143.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی